

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر ابن الدین "سعیدی-سعیدافغانی"

۳۱ جولای ۲۰۲۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده و مهربان

ترجمه و تفسیر سورة الحشر-۴



مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ
وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ (۵)

هر چه از درختان خرما بریدید یا آن را بر پایه‌هایش قائم گذاشتید، همه به اذن الهی بود تا نافرمانان را خوار و رسوا بدارد. (۵)

برخی از مفسران در بیان شأن نزول این آیت می فرمایند: که تعدادی از مسلمانان در نبرد با یهودان بنی‌نضیر شروع به قطع کردن درختان خرمایشان کردند تا آن‌ها را بر سر غیظ آورند. پس بنی‌نضیر از باب این‌که اهل کتاب‌اند گفتند: ای محمد!

مگر نه این است که تو به‌پندار خود پیامبر هستی و قصد اصلاح را داری؟ آیا بریدن درختان خرما و سوختن آن‌ها از اصلاح است؟ آیا در آنچه‌که بر تو نازل شده است، روا بودن فساد افگنی در زمین را یافته‌ای؟ پس این سخن بر رسول الله صلی اله علیه وسلم دشوار آمد و مسلمانان نیز در این اندیشه فرو رفتند

که مبادا این کارشان فساد افگنی باشد. همان بود که نازل شد: «آنچه از درختان خرما بریدید، یا آن را ایستاده بر ریشه‌هایش باقی گذاشتید» و قطع نکردید؛ «پس به اذن الله بود» یعنی: به فرمان‌وی بود و حق تعالی به این کار اذن داده است تا مؤمنان را عزت‌مند گرداند «و تا فاسقان را» یعنی: بیرون رفتگان از طاعت را که یهودیان هستند «خوار گرداند» و آنان را با قطع نمودن درختان بر سر غیظ آورد زیرا هنگامی که ببینند مؤمنان هر چه خواهند با اموال‌شان می‌کنند، این بر خشم و غیظ‌شان می‌افزاید.

لینہ: انواع درختان خرما جز درخت خرما می‌عجوہ است.

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٦)

و آنچه را الله از آنان به رسم غنیمت عاید پیامبر خود گردانید [شما برای تصاحب آن] اسب یا شتری بر آن نتاختید ولی الله فرستادگانش را بر هر که بخواهد مسلط می گرداند و خدا بر هر کاری تواناست. (٦)
«أَوْجَفْتُمْ» (تاختید)

اموال غنیمت بنی نضیر:

از این جهت خدای سبحان اموال بنی نضیر را مخصوص پیامبر صلی الله خویش گردانید زیرا آن حضرت سرزمین آنان را به صلح فتح کردند و اموالشان را به صلح گرفتند، از این روی آن اموال را میان لشکر تقسیم نکردند بلکه از آن نفقه سالانه خانواده خود را تأمین و بقیه را به امر خریداری و تجهیز اسبان یا چهارپایان و خریداری سلاح برای جهاد اختصاص دادند چنان که در روایت عمر بن خطاب (رض) آمده است.

فیء: در اصطلاح شریعت اموالی است که از کفار بدون جنگ و خونریزی، یا بدون تازاندن اسبان و سوار شدن بر شتران و یا به صلح گرفته می شود، مانند اموال بنی نضیر .
اما غنیمت: اموالی است که به جنگ و نبرد گرفته می شود.

برخی فقهاء بدین نظر اند که: فیء: املاک غیر منقول است و غنیمت: اموال منقول. «ولیکن خداوند پیامبرانش را بر هر کس که خواهد» از دشمنان خود «مسلط می گرداند و خداوند بر هر چیز تواناست» با واسطه یا بدون واسطه، با جنگ یا بدون جنگ. (برای تفصیل موضوع مراجعه شود: تفسیر انوار القرآن (جلد سوم) سوره حشر: نوشته: عبدالرؤوف مخلص هروی (حوت) ۱۳۹۴ شمسی جمادی الاول ۱۴۳۷ هجری

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةَ بَيْنِ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (٧)

آنچه الله از [اموال و زمین های] اهل آن آبادی ها به پیامبرش داده است ، متعلق به الله و پیامبر و خویشاوندان (پیامبر) و یتیمان و مساکین و مسافران (در راه ماندگان) است ، تا میان ثروتمندان شما دست به دست نگرند و آنچه را پیامبر به شما عطا کرد بپذیرید و از آنچه شما را نهی کرد، اجتناب ورزید و از الله بترسید چون الله سخت عقوبت دهنده است. (٧)

«دُولَةُ» (دست به دست، دستگران).

«الْأَغْنِيَاءِ» (ثروتمندان).

« وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا » در باره این آیت باید گفت: حضرت عبد الله بن مسعود (رض) کسی را دید که در حالت احرام ، لباس دوخته پوشیده بود، دستور داد که این لباس را بیرون آورد او گفت آیا می توانی در خصوص این امر، آیتی از قرآن را به من نشان بدهی که در آن از استعمال لباس دوخته شده منع شده باشد؟ حضرت ابن مسعود (رض) فرمود: بلی آن آیت را به تو نشان می دهم ، سپس آیت « وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا » را تلاوت فرمود .

در این هیچ جای شکی نیست که : خداوند متعال پیامبر صلی الله علیه وسلم را نمونه و سرمشق برای مسلمانان قرار داده تا همه شوون و آداب زندگی خود را از او بیاموزیم و از سنت او پیروی کنیم، پس بر ما مسلمانان واجب است تا

آنچه را که پیامبر صلی الله علیه وسلم به عنوان حلال برای ما بیان کرده بپذیریم و آنچه را که حرام کرده انجام ندهیم، چنانکه می فرماید: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر ۷).

یعنی: آنچه را رسول خدا برای شما آورده بپذیرید (و اجراء کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری ننمائید.

اما در این بین بعضی از موارد هستند که ممکن است ما انسانها از حکم حلال یا حرام بودنش مطلع نباشیم، و ندانیم که آیا فلان عمل جایز است یا خیر؟

در این شرایط ما به عملکرد پیامبر صلی الله علیه وسلم نگاه می کنیم تا ببینیم که آیا ایشان آن عمل را انجام می دادند یا خیر؟ آیا همیشه انجام می دادند یا فقط در حالت ضرورت و به عنوان رخصت انجام می دادند؟ اگر انجام داده باشند درمی یابیم که انجام آن توسط دیگران هم جایز است، پس این همان شیوه تشریح احکام است که خدای متعال توسط پیامبرش برای انسانها بیان می کند تا از حلال و حرام و جواز و ناجواز بودن اشیاء و امور زندگی مطلع شوند.

مثلاً ما نمی دانستیم که آیا جمع خواندن نماز در هنگام بارش باران صحیح است یا خیر؟ ولی اگر به عملکرد پیامبر صلی الله علیه وسلم نگاه کنیم می بینیم که ایشان در وقت بارش باران نماز مغرب را با عشاء جمع می کردند، ما از روی این حدیث درمی یابیم که جمع کردن نمازها در وقت بارش باران جایز است، اگر این حدیث نمی بود ما نمی توانستیم سرخود عمل کنیم و در وقت باران نمازها را جمع کنیم.

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۸)

[بخشی از غنائم] برای فقیران و مهاجران است که از دیار و اموالشان بیرون رانده شده اند، در حالی که فضل و خشنودی الله را می جویند و الله و پیامبرش را یاری می کنند، اینان همان راستگویانند. (۸)

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۹)

و [نیز] کسانی راست که پیش از آنان در دار الإسلام جای گرفتند و ایمان [نیز] در دلشان جای گرفت، کسانی را که به سوی آنان هجرت کنند دوست می دارند و در دلهای خود از آنچه [به مهاجران] داده اند احساس نیازی نمی کنند و [دیگران را] بر خودشان (و لو نیازمند باشند) ترجیح می دهند و کسانی که از آن نفس خویش مصون باشند، ایشان اند که رستگارند. (۹)

«حَاجَةً» (نیازی، حسد).

«يُؤْتِرُونَ» (ترجیح می دهند، مقدم می دارند).

«خَصَاصَةٌ» (نیاز مبرم، تنگدستی).

«يُوقِ» (باز داشته، نگه داشته).

«شُحَّ» (بخل، حرص).

شان نزول آیت ۹:

۱۰۶۳- ابن منذر از یزیداصم (در نسخه‌ها به «زید» آمده است) روایت کرده است: انصار گفتند: ای رسول الله! باغ‌ها و زمین‌های زراعتی ما را بین ما و برادران مهاجرمان نصف تقسیم کن. رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: نه، لیکن مخرج آن‌ها را تأمین نمائید و محصولات زراعتی و باغ‌ها را با آن‌ها تقسیم کنید، زمین و باغ مال خود شما باشد. گفتند: به این کار خوشنود و راضی هستیم. پس الله تعالی آیت: «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ...» را نازل کرد.

۱۰۶۵- بخاری از ابوهریره (رض) روایت کرده است: شخصی خدمت رسول الله آمد و گفت: یا رسول الله! دچار فقر و تنگدستی شدم و زندگانی بر من سخت شده است.

پیامبر از زنان خود چیزی خواست، اما در نزد آنان نیز چیزی یافت نشد. گفت: کسی نیست که امشب این مرد را مهمان کند تا خدا بر او رحمت نماید. شخصی از انصار برخاست و گفت: من هستم ای رسول الله! او را به خانه خود برد و به همسرش گفت: این مهمان رسول الله صلی الله علیه وسلم است هیچ چیز را نباید از او دریغ کرد. همسرش گفت: هیچ چیز در خانه نداریم، مگر غذای کودک. گفت: وقتی کودک غذا خواست بخوابانش و خودت بیا و چراغ را خاموش کن امشب را با گرسنگی سپری می کنیم همسر او این کار را انجام داد. آن مرد سحرگاه نزد پیامبر شتافت. پیامبر گفت: الله از فلان [ابوطلحه زید بن سهل] و همسرش خوشنود شد. الله آیت: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» نازل کرد. (صحیح است، بخاری ۳۷۹۸ و ۴۸۸۹، مسلم ۲۰۵۴، نسائی ۶۰۲، بغوی ۴ / ۲۹۱ و «تفسیر شوکانی» ۲۶۴۷ تخریج محقق).

۱۰۶۵- مسدد در «مسند» خود و ابن منذر از ابومتوکل ناجی روایت کرده اند: مردی از مسلمانها... و بعد مانند حدیث بالا ذکر کرده و در روایت او آمده است، شخصی که آن مسکین را مهمان کرد ثابت بن قیس بن شماس بود. پس در باره او آیت نازل شد. (مسدد چنانچه در «مطالب عالییه» ۳۷۷۳ آمده از ابومتوکل روایت کرده و این مرسل است.) ۱۰۶۶- واحدی از طریق محارب بن دثار از ابن عمر (رض) روایت کرده است: برای یکی از اصحاب سر گوسفندی را هدیه آوردند. گفت: برادرم فلان و خانواده اش از من نیازمندتر و محتاجتر به این سر هستند. سر گوسفند را به او فرستاد. او نیز به خانواده ای دیگر فرستاد به همین ترتیب به هفت خانواده این سر دور کرد تا به خانواده اولی برگشت. پس آیت: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ...» تا آخر نازل شد.

(حاکم ۲ / ۴۸۴ صحیح شمرده و ذهبی می گوید: عبیدالله را ضعیف می دانند. واحدی در «اسباب نزول» ۸۱۰ از عبیدالله بن ولید روایت کرده، سیوطی در «دُر المنثور» ۶ / ۲۸۹ به حاکم و ابن مردویه نسبت کرده است. «زاد المسیر» ۱۴۲۱ تخریج محقق.)

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (۱۰)

و نیز کسانی که بعد از آنان [انصار و مهاجران] آمدند در حالی که می گویند: ای پروردگارا! ما و برادرانمان را که به ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل هایمان نسبت به مؤمنان، خیانت و کینه قرار مده. ای پروردگارا! یقیناً تو رؤوف و مهربانی. (۱۰)

خواننده محترم!

«اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا» یک اصل دعائی رابرای ما مسلمان ها تذکر می دهد که شخص دعا کننده در بدو باید اول از خطاها و لغزش های خود استغفار بخواهد و سپس از لغزشهای دیگران.

جمله: «اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا» آیت مبارکه می رساند که: مؤمن، مصونیت از گناه ندارد، ولی هرگاه گناهی را مرتکب شد، بلافاصله استغفار می کند.

و در این هیچ جای شک نیست که: دعای خیر برای گذشتگان، وظیفه آیندگان است. طوری که فحوای آیت مبارکه «وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ ... الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ» بدان حکم می فرماید.

همچنان نباید فراموش کرد که: «سَبَقُونَا بِالإِيمَانِ» که سابقه داشتن در ایمان یک ارزش است. و جمله «الإخواننا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالإِيمَانِ» این فهم عالی را می‌رساند که برادری واقعی، در پرتو ایمان می‌باشد و در اخوت و برادری دینی، زمان و مکان و نژاد مطرح نیست.

«لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا» این فهم عالی را به مسلمانان می‌رساند که: مؤمن، بدخواه دیگران نیست. و هكذا باید اذعان داشت که در اصلاحات باید اول به سراغ ریشه‌ها رفت. ریشه بسیاری از گناهان، کینه و حسادت و دشمنی است که باید در بین ما از بیغ و ریشه‌از بین برده شود.

صحابه کرام:

در این هیچ جای شک و تردیدی وجود ندارد که صحابه رضی الله عنهم بعد از پیامبران علیهم الصلاة والسلام، افضل بشر هستند و هیچ امتی در هیچ قومی در فضیلت و شأن به پای اصحاب بزرگوار رسول الله صلی الله علیه وسلم نمی‌رسند، همان کسانی که خداوند تبارک و تعالی در قرآن آنها را ستوده است و اعلام رضایت کرده است:

«وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه ۱۰۰) یعنی: پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت، و آنها (نیز) از او خشنود شدند؛ و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است پیروزی بزرگ.

و پیامبران صلی الله علیه وسلم در مورد آن بزرگواران می‌فرماید: «لَا تَسِبُوا أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِي؛ فَإِنْ أَحَدَكُمْ لَوْ أَنْفَقَ مِثْلَ أُحُدٍ ذَهَبًا مَا أَدْرَكَ مُدَّ أَحَدِهِمْ وَلَا نَصِيفَهُ» هیچ کدام از اصحاب من را دشنام ندهید، زیرا اگر یکی از شما به اندازه کوه احد طلا انفاق کند به اندازه یک مشت آنان و حتی نصف آن هم نمی‌رسد!! (بخاری: حدیث ۳۶۷۳. و مسلم: کتاب فضائل الصحابه، باب تحریم سب الصحابه، حدیث: ۲۵۴۱).

بزرگداشت اصحاب رسول الله (ص) در روشنی احادیث نبوی:

روایات و احادیث متعددی وجود دارد که رسول اکرم محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم مقام والای اصحابش را در آنها بیان فرموده و از بزرگوئی و اهانت آنان نهی به عمل آورده است. که از جمله برای توضیح بیشتر به برخی از این احادیث توجه خوانندگان محترم را جلب میدارم:

۱- عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا تسبوا أصحابي، فوالذي نفسي بيده لو أن أحدكم أنفق مثل أحد ذهباً ما أدرك مد أحدهم ولا نصيفه»؛ «اصحاب مرا دشنام ندهید، قسم به ذاتی که جانم در قبضه اوست: اگر فردی از میان شما همسنگ کوه احد طلا صدقه کند، به پاداش صدقه مدو یا نصف مد اصحاب من نمی‌رسد». (بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحيح، ج ۴، ۲: ۵۶۲ شماره روایت (۲۵۳۱) دارالکتب العلمیة ۱۴۱۲ هـ. مد مقیاسی معادل پیمانۀ ۷۵۰ گرمی است.

۲- قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «الله الله في أصحابي! الله الله في أصحابي! لا تتخذوهم غرضاً بعدى، فمن أحبهم فبحبي أحبهم و من أبغضهم فببغضی أبغضهم و من آذاهم فقد آذانی و من آذانی فقد آذى الله فيوشك أن يأخذه»؛ «در باره اصحاب من از خدا بترسید! درباره اصحاب من از الله بترسید! آنان را بعد از (وفات) من نشانه قرار ندهید. هر کس آنان را دوست می‌دارد، به خاطر محبت با من آنان را دوست می‌دارد. و هر کس با آنان بغض می‌ورزد، به خاطر بغض

با من با آنان بغض می‌ورزد. هر کس آنان را بیازارد، او در حقیقت مرا آزرده و کسی که مرا بیازارد، بی‌تردید خدا را آزرده و خداوند از او انتقام خواهد گرفت».

(ترمذی السنن ج ۵، ص ۶۵۳ شماره روایت ۳۸۶۲، دارالکتب العلمیة، شببانی احمد، مسند امام احمد بن حنبل ج ۶، ص: ۴۲ شماره روایت ۲۰۰۲۶، دارالاحیاء التراث العربی ۱۴۱۴ هـ.)

۳ - قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ان الله اختارني و اختار لي أصحاباً فجعل لي منهم وزراء و أنصاراً و أصحاباً فمن سبهم، فعليه لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين، لا يقبل الله منه يوم القيامة صرفاً و لا عدلاً»؛ «همانا خداوند مرا برگزید، و برای من یاران و اصحابی برگزید که از میان آنان جانشینان، یاری دهندگان و خویشاوندانی را برایم مقرر فرمود؛ هر کس آنان را دشنام دهد، لعنت خداوند، فرشتگان و همه مردم بر او باد، خداوند از چنین کسی روز قیامت هیچ عوض و فدیهای را قبول نمی‌فرماید».

(حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین ج ۴، ص: ۸۳۳ شماره روایت (۶۷۱۵) - دارالمعرفة ۱۴۱۸ هـ؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، ج ۱۷، ص ۱۴۰، شماره روایت (۳۴۹) - دارالاحیاء التراث العربی ۱۴۰۴ هـ.)

۴ - قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إذا ذكر أصحابي فأمسكوا»؛ «هرگاه از اصحاب و یاران من سخن به میان می‌آید، زبانتان را (از بدگویی آنان) مصون نگه دارید» (۱۰)

(طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، ج ۲، ص ۹۶، شماره روایت (۱۴۲۷)، ألبانی محمدناصرالدین، سلسلة الاحادیث الصحیحة، ج ۱ - ص ۴۲، المكتبة الاسلامی ۱۴۰۵ هـ.)

ادامه دارد